بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

دوشنبه ۱۰ مهر ۱۳۹۶ / ۲ اکتبر ۲۰۱۷ / سال چهارم شماره ۲۰۵

ونزوئلا در تلاطم تحولات

صفحه ۵

تفکر کارگری از نگاه فعالان سیاسی خارج از کشور

صفحه ۹

تحلیل هفته

جنگ جناح ها
بر سر مصادره واحد های صنعتی

صادق کار

به دنبال اعتراض های گسترده خیابانی کارگران "آذرآب و هپکو" در هفته گذشته، همان طور که ما در یادداشت هفته پیش ارزیابی کرده بودیم، مسئولان دولتی مجبور به عقب نشینی شدند و قسمتی از دستمزدهای معوقه کارگران شرکت هپکو و آذرآب در ۸ مهر به حساب آنان واریز شد.

"پایگاه اطلاع رسانی استانداری مرکز" که این خبر را منتشر کرده، اطلاع بیشتری در این مورد نداد، اما بنا به گفته "زمانی قمی" استاندار استان مرکزی"ادارات مربوطه و مسئولان شعب بانک ملی و مرکزی به رغم ایام تعطیلات برای انجام این کار همکاری کرده‌اند، آن طور که از گفته های استاندار بر می آید دلیل بسیج ادارات مربوطه برای پرداخت دستمزد کارگران معترض در ایام تعطیل ادامه اعتصاب کارگران تا لحظه واریز کردن پول بوده است.

قبل از آن نیز بارها کارگران این دو کارخانه بطور جداگانه به منظور وادار نمودن کارفرمایشان به پرداخت دستمزدهای عقب افتاده‌شان

بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

دوشنبه ۱۰ مهر ۱۳۹۶ / ۲ اکتبر ۲۰۱۷ / سال چهارم شماره ۲۰۵

مبادرت به اعتصاب و اعتراض کرده بودند و پس از مدتی در اثر وعده‌های مسئولان و کارفرماهایشان به سر کار برگشته بودند، ولی کارفرمایان به وعده‌هایشان عمل نمی کردند، ولی این بار تظاهرات همزمان و متحدانه کارگران هر دو کارخانه و ناکامی مسئولان و نیروهای امنیتی برای درهم شکستن اعتصاب و راندن کارگران از خیابان موجب شد، به رغم تعطیلی ادارات قسمتی از حقوق کارگران را به آن ها پرداخت کنند.

یکی دیگر از خواست های کارگران بازگرداندن این کارخانه ها به بخش عمومی تحت نظارت دولت بود، که مسئولان دولتی تا قبل از این اعتصاب حتی حاضر به گفت و گو در مورد آن نبودند. ولی اعتصاب کارگران و افشای جزئیات واگذاری رایگان این دو واحد کلان صنعتی به یک دلال بورس و یک نفر دیگر که بقول مسئولان به خاطر ندادن بدهی هایش به اداره مالیات و تامین اجتماعی در هنگام واگذاری ممنوع الخروج و فاقد اهلیت بوده، توسط سازمان خصوصی سازی چنان تکان دهنده بود که کل سیاست خصوصی سازی و مسئولان دولتی را سراسیمه وادار به واکنش کرد.

بنا به گفته یکی از نمایندگان مجلس که جزو دار و دسته جناح مخالف دولت است، کارخانه ۳۰۰ میلیارد تومانی هپکو به مبلغ ۱۰ میلیون تومان و بدون تضمین مالی به کسی فروخته شده که کلی به دولت و تامین اجتماعی بدهی پرداخت نشده دارد

وزیر کار بلافاصله برای قانع کردن کارگران عازم اراک شد و با اکثر خواست های کارگران ظاهرا موافقت کرد، مدیر و در واقع مالک آذرآب به جرم تخلف مالی بازداشت شد، و یکی از نمایندگان مجلس خبر از بررسی لغو واگذاری هپکو توسط وزیر صنایع را داد، تو گویی همه این تخلفات و قانون شکنی ها یک روزه اتفاق افتاده و مسئولان تا آن روز از وجودشان بی خبر بوده‌اند!

سازمان خصوصی سازی که زیر نظر دولت فعالیت می کند، بنا به گفته یکی از نمایندگان مجلس که جزو دار و دسته جناح مخالف دولت است، کارخانه ۳۰۰ میلیارد تومانی هپکو به مبلغ ۱۰ میلیون تومان و بدون تضمین مالی به کسی فروخته شده که کلی به دولت و تامین اجتماعی بدهی پرداخت نشده دارد. کارخانه آذرآب هم گفته شده که بدون دریافت هیچ پولی به یک دلال بورس واگذار شده. این آقا ظاهرا آن قدر خیالش راحت و پشتش قرص بوده که رفته مقدار زیادی وام هم برای امور کارخانه ای که معلوم نیست چگونه و به چه دلیل مفت به چنگ آورده گرفته، ولی آن را در جای دیگری سرمایه گذاری نموده! به احتمال قوی اگر پرونده سایر واحدهایی که تا کنون توسط "سازمان خصوصی سازی" واگذار شده‌اند، گشوده و واکاوی شوند، کم و کیف واگذاریشان مشابه "هپکو و آذرآب"است.

نکته تامل برانگیز در این خصوص این است که مقامات دولتی، نمایندگان مجلس و مقامات ارشد قضایی و سرمداران همه جناح ها از قبل از کم و کیف این واگذاری ها مطلع بوده‌اند، اما با این وجود تا قبل از اعتصاب های هفته گذشته نه تنها اقدامی در این خصوص نکردند، بلکه از کارفرمایان فاسد و زورگوی این کارخانه که باید محاکمه می شدند، حمایت می کردند و تا آن جا پیش رفتند که نیرو های امنیتی را به مصاف کارگران فرستادند و بجای کارفرمایان مجرم کارگران بی گناه را مجازات کردند.

افشای جزئیاتی از این دو واگذاری برای تشکیل پرونده و محاکمه مسئولان سازمان خصوصی سازی و سلب مسئولیت از آنان به تنهایی کافی است، اما به خاطر آن که اکثر مسئولان نیز خودشان به نحوی از انحا به فساد اقتصادی آلوده‌اند، بعید به نظر می رسد اقدامی جدی در این خصوص انجام دهند.

اما وابستگان به جناح های حکومتی که نگران پیامدهای رو شدن بخشی از فسادهایشان هستند، مانند همیشه بجای پیگرد عوامل این فسادهای آشکار و غیر قابل کتمان تلاش می کنند، تقصیر را به گردن رقیبان شان بیندازند.

طرفداران دولت و اصلاح طلبان به رغم ادعای مخالفتشان با فساد و طرفداری از حقوق شهروندی، ظاهرا به این بهانه که اعتراض های کارگری موجب تضعیف دولت و به سود جناح رقیب شان تمام می شود در مقابل سیاست های ضد کارگری دولت و سرکوب اعتراض های مدنی کارگران به آن، حتی وقتی بخشی از این فسادها در اثر حرکت های کارگران افشا می شود، سکوت اختیار می کنند و در حالی که می دانند و می بینند که شخص روحانی هم در برخورد با کارگران و خصوصی سازی همان خط مشی احمدی نژاد را دنبال می کند، همه تقصیر ها را گردن دولت احمدی نژاد می اندازند تا از خود و دولت رفع تقصیر و مسئولیت کنند و اذهان را بفریبند.

بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

دوشنبه ۱۰ مهر ۱۳۹۶ / ۲ اکتبر ۲۰۱۷ / سال چهارم شماره ۲۰۵

اما واقعیت این است که دوران این گونه مانورهای فریبنده به واسطه حدت یابی و قطبی شدن فزاینده مبارزات اجتماعی به سر آمده و خود این نیرو نیز در آینده نزدیک باید تاوان این برخوردهایش را را بپردازد.

در عوض رسانه ها و عوامل جناح رقیب طرفداران دولت سعی می کنند با انعکاس بخشی از اعتراض های کارگران و تظاهر به حمایت از کارگران معترض از آب گل آلود ماهی خودشان را بگیرند و این در حالی است که همه می دانند که خود این جناح پیشگام سیاست خصوصی سازی و واگذاری مفت و رایگان بسیاری از واحدهای تولیدی به منسوبان و نهادهای تحت هدایت خودشان بوده و اختلاف شان با دولت روحانی نه به خاطر خصوصی سازی و حقوق کارکران بلکه بر سر سهم جناحی از ثروت های جامعه است و کارخانه هپکو هم اولین بار در زمان احمدی نژاد با شرایط مشابه به واگن سازی کوثر که منسوب به همین جناح است، واگذار شد و سال گذشته دوباره هپکو را سازمان خصوصی سازی از "واگن سازی کوثر پس گرفت و در خرداد ماه گذشته به هیدرو اطلس واگذار کرد.

طرفداران دولت و اصلاح طلبان به رغم ادعای مخالفتشان با فساد و طرفداری از حقوق شهروندی، حتی وقتی بخشی از این فسادها افشا می شود، سکوت اختیار می کنند

در همان موقع هم حق و حقوق کارگران این کارخانه به شدت امروز لگد مال می شد، اما رسانه های آن ها نه اخبار اعتصاب های کارگرانش را منتشر می کردند و نه حمایتی از کارگران حق طلب داشتند.

خلاء یک آلترناتیو دمکراتیک و عدالت خواه، باعث میدان داری جناح های حکومتی گردیده که بر سر مسایل اساسی و بویژه حق و حقوق کارگران و سیاست خصوصی سازی با هم اختلاف چندانی ندارند و هر کدام شان کوشش می کنند با دادن وعده‌های دروغ کارگران و مردم عادی را به پای صندوق های رای بکشانند و آرای آنان را از خود کنند، اما پس از هر انتخابات هرکدام شان که رئیس دولت یا وکیل و وزیر می شوند، زیر همه قول و قرارهایشان می زنند و نتیجه اش همین می شود که دیده‌ایم و می بینیم.

خلاء یک آلترناتیو دمکراتیک و عدالت خواه، باعث میدان داری جناح های حکومتی گردیده که بر سر مسایل اساسی و بویژه حق و حقوق کارگران و سیاست خصوصی سازی با هم اختلاف چندانی ندارند و هر کدام شان کوشش می کنند با دادن وعده‌های دروغ کارگران و مردم عادی را به پای صندوق های رای بکشانند و آرای آنان را از خود کنند،

هم اکنون جناح رقیب دولت که برای انتخابات آتی خیز برداشته با بهره برداری از نارضایتی های فزاینده کارگران و سایر گروه‌های اجتماعی مردمی تلاش می کند با تظاهر به عدالت خواهی و دادن وعده‌های عدالت خواهانه این توده عظیم را به دنبال خود بکشاند. کارگران و سازمان های کارگری اکنون در موقعیتی قرار دارند که می توانند با ادامه و گسترش اعتراض های شان و ایجاد امید در میان مردم سرخورده از جناح های حکومتی، زمینه یک آلترناتیو دمکراتیک متعهد به آزادی و عدالت اجتماعی جامعه را به حرکت درآورند و نگذارند جناح های حکومتی مردم و کشور را وجه المصالحه سیاست های ضد مردمی خود کنند.

بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

دوشنبه ۱۰ مهر ۱۳۹۶ / ۲ اکتبر ۲۰۱۷ / سال چهارم شماره ۲۰۵

از تجربه دیگران

آینده جنبش اتحادیه های صنفی در مالزی

بخش هفتم

ناگیاه راماسامی

دانشگاه پوترا – مالزی

ترجمه: گودرز

۱۴- کارفرمایان

جومو، تاد، و مایمونه براین اعتقاد اند که کارفرمایان از تاکتیک بتعویق انداختن بی انتهای درخواست تشکیل اتحادیه برای کنترل نیروی کار استفاده می کنند، کنشگران را هدف گرفته حتی با ترفیع پست آنان سعی بر این دارند که انها را از محیط کار دور نگهدارند و یا به تشکیل یونیون های تحت کنترل کارفرما دست می زنند. مشکل برسمیت شناختن اتحادیه ها و در واقع عدم وقوع آن وسیله کارفرمایان مسئلهٔ قدیمی است. فعالان کارگری کارفرمایان را متهم می کنند که عمداً پذیرش رسمی اتحادیه ها را به تعویق می اندازند، در حالی که به شیوه های مختلف محیط کار را با اقدامات کارگرستیزانه خویش غیرعادلانه تر از پیش می سازند. در یک نظرسنجی مرکز اتحادیه های کارگری مالزی در میانه دهه ۱۹۷۰، ۳۱% از مسئولان اتحادیه ها گفتند که کارفرمایان شان مسئولان اتحادیه را به مناطق دورتر منتقل کرده اند تا از انجام وظایف اتحادیه ای خود محروم گردند.

کارفرمایان می گویند برای امکان رقابت در بازار و افزایش مشاغل باید هزینه دستمزد کارگران را پایین بیاورند، تفاوت تخصص ها را کاهش دهند و با وضع قوانین جدید امکان استخدام هرچه بیشتر کارگران مهاجر را فراهم نمایند، انتقال کارگران و انعطاف در استخدام و مشاغل غیر رسمی و موقتی را افزایش دهند.

۱۵- کارگران خارجی، اقتصاد غیررسمی

سنجش سال 2014: مالزی یکی از 24 بدترین کشورها برای کارگران

یکی از سیاست ها و استراتژی های کشور این بوده است که سطح دستمزد ها پایین نگاه داشته شود تا بازار مالزی برای سرمایه گذاران خارجی و کمپانی های بین المللی جذاب باشد، تا بتواند در بازار بین المللی رقابت کند. در نتیجه کارگران خارجی بطور قانونی و غیرقانونی از طریق اندونزی، تایلند، برمه، فیلیپین، کامبوج، سریلانکا، هندوستان، نپال و بنگلادش برای کار به مالزی وارد می شوند. این روش بسیار راحت و بدون هزینه ای است تا کارگران را بخدمت گرفت، و اما در عین حال خیلی آسان است که از آنان سوء استفاده کرده و به حقوقشان تجاوز نمود. به استناد گزارش ناواموکندان سیستم رسمی استخدامی در مقابل شیوه های غیر رسمی بشدت تضعیف شده است و برای آن کارفرمایان و کنتراتچی های واسطه کنترل را بدست گرفته اند. در حالی که کارگران غیرقانونی در سیستم رسمی ثبت نمی شوند و در نتیجه قابل شناسایی نیستند، کارگران قانونی با تاکتیک های متنوع وسیله کنترات های واسطه و کارفرمایان از اتحادیه ها دور نگاه داشته می شوند. سیاست های دولت در سالهای اخیر آن است که سازماندهی اتحادیه ها باید شامل کارگران خارجی هم باشد. این یک شمشیر دولبه است: از یک طرف ظاهراً باعث می شود در راه عضویت کارگران خارجی و در نتیجه حمایت از آنان تسهیلات ایجاد نماید اما از

بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

دوشنبه ۱۰ مهر ۱۳۹۶ / ۲ اکتبر ۲۰۱۷ / سال چهارم شماره ۲۰۵

سوی دیگر چالش های بزرگی را در برابر اتحادیه ها ایجاد می نماید. چرا که ماهیت کار فصلی و موقت کارگران خارجی باعث می شود آنها تمایلی به عضویت نداشته باشند، زیرا از عضویت شان منافعی حاصل آنان نمی شود.

کرویز می نویسد که نظرسنجی های MTUC نشان دادند که ۷۰ درصد کارگران خارجی را کارگران ساختمانی تشکیل می دهند. این کارگران از سابقه کار طولانی و تأمین حفاظت اجتماعی بهره نمی برند. حق عضویت پرداختی وسیله این گروه به سازمان تامین اجتماعی SOCSO و صندوق بازنشستگی کارگران EPF بقدری نازل است که عملاً بحساب نمی آید و در نتیجه در صورت سانحه، مصدومیت و مرگ هیچ نوع پوشش و کمکی را شامل نمی شود. در صورت اخراج و از دست دادن شغل هم، هیچ امکانی برای کمک به ایشان موجود نیست، بویژه که اکثر قراردادها شفاهی و غیر رسمی است.

کارگران غیررسمی وسیله قانون کار حمایت نمی شوند و در نتیجه از حقوق پایه و اساسی کار نیز بهره مند نمی گردند. در شرایط ناامن و ناسالم کار می کنند، دستمزد نازل و غیردائم دریافت می کنند و برخلاف مقررات با ساعت های طولانی کار و بدون آموزش لازم و نه حتی دسترسی به امکانات بهداشتی و پیشرفت های تکنولوژیک بکار اشتغال دارند. آنها علاوه بر این با انواع تبعیضات از جمله آزار جنسی و سوءاستفاده های دیگر مانند اخاذی و ارتشاء روبرو می شوند.

در مالزی کارهای غیر رسمی معمولاً وسیله کارگران خارجی انجام می شوند. کارگران مهاجر از مزایای حداقلی در استخدام برخوردارند. با وجود دستمزد و مزایای کم کارگران خارجی مورد تبعیضات و سوء استفاده کارفرما و مسولان دولتی هم قرار دارند. در مالزی کارگران پایه درعین حال باید با کارگران ارزان مهاجر که از کشورهای همسایه می آیند نیز رقابت کنند. مرکز اتحادیه های صنفی مالزی MTUC به روند های تنظیم سیاست های کار دسترسی ندارد و بالنتیجه نفوذ ناچیزی در روند تصمیم گیری های دولتی دارد. شرایط و طبیعت وجود در سایهٔ این مرکز (MTUC)، عدم امکان عملی برای تأثیرگذاری بر روند ها از یک سو و تهدید به سوء استفاده و تجاوز به حقوق از سوی دیگر را باعث گردیده است.

دیگر کشورها

ونزوئلا در تلاطم تحولات

اشاره:
همان طور که در جریان هستید، ونزوئلا هم چنان با بحران های مختلف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی دست به گریبان است، تورم بالا، بی ارزش شدن پول ملی این کشور و نهایت بهره ای که مخالفان دولت ونزوئلا از این شرایط می برند، دست به دست هم داده تا تنش های مختلف سیاسی تا اعتراض ها ی کارگری امتداد پیدا کند.
در سویی دولت و بزرگترین سندیکا های کارگری قرار دارند و در سویی دیگر مخالفان و بخش هایی از سندیکا های کارگری کوچک تر، با این وجود اقتصاد و تحمل دگراندیشان به عنوان مهمترین برنامه دولت، مجلس و تشکل های مدنی و کارگری است که اکنون سعی می شود با قانون گذاری و اجرایی کردن مصوبه های مجلس گام هایی نو در جهت حفظ دمکراسی و عدالت اجتماعی در کشور ونزوئلا رقم زده شود.
در ادامه چند خبر از نگاه کارگران کشور ونزوئلا به شرح زیر تقدیم شما می شود.

کانون بولیواریایی کارگران سوسیالیست
اصلاح قانون مالیاتهای مستقیم

" کانون بولیواریایی کارگران سوسیالیست " از مجلس موسسان ونزوئلا خواهد خواست اصلاحیه ای را بتصویب برساند تا بر اساس آن اخذ مالیات های مستقیم از افراد حقیقی و حقوقی یکسان تعریف نشود. بر اساس این تقاضا این اصلاحیه می باید در جهت کاستن میزان مالیات مستقیم از افراد حقیقی بتصویب برسد.

بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

دوشنبه ۱۰ مهر ۱۳۹۶ / ۲ اکتبر ۲۰۱۷ / سال چهارم شماره ۲۰۵

کنفرانس بین المللی در ونزوئلا
دفاع از صلح، دمکراسی و تمامیت ارضی

*در روز سیزده سپتامبر با شرکت دویست هیات نمایندگی از کشورهای مختلف جهان، کنفرانسی در **کاراکاس** پایتخت ونزوئلا بانجام رسید که موضوعات محوری آن، همبستگی با مردم ونزویلا، دفاع از تمامیت ارضی آن و صلح، مبارزه علیه جنگ طلبی و امپریالیسم، پیکار علیه نژاد پرستی، دفاع از حقوق پناه جویان، ترویج شهروندی جهانی، مبارزه برای گسترش حقوق اجتماعی و هم پای همه آنها دفاع از محیط زیست بود.*
خاویر کوسو، معاون ریاست پارلمان اروپا و معاون انجمن چینی مطالعات در باره آمریکای لاتین از جمله حاضران در جلسه بودند.

افزایش حقوق کارگران در ونزوئلا

در هفته های اخیر برای مقابله با پائین ماندن قدرت خرید کارگران بخاطر رشد قابل ملاحظه تورم، تصمیم برای انجام اعتصاب و درخواست ازدیاد حقوق توسط سندیکاهای کارگری گرفته شد.
دولت با اطلاع از این امر در صدد جلوگیری از این اعتصاب برآمد. بعد از برگزاری جلسات متعدد با نمایندگان کارگران و با ارائه قوانینی به مجلس خواستار ازدیاد حقوق آنان شد. کارگران بعد از دریافت ضمانت های لازم در جهت تحقق خواست هایشان لغو اعتصاب های برنامه ریزی شده را اعلام کردند.

مصوبه مجلس موسسان ونزوئلا
تحمل دگر اندیشان، انزجار از تبعیض نژادی و خشونت

لوئیس رانگل دبیرکل کانون بولیواریایی سوسیالیست کارگران در جمعی متشکل از سی و چهار سندیکای کارگری بر رابطه پیوسته و حیاتی کارگران و سندیکاها تاکید ویژه داشت.
*او هم چنین به مصوبه قانون **مجازات همه گونه تبعیضات نژادی، عدم تحمل دگر اندیشان و اعمال خشونت** در مجلس موسسان اشاره داشت و آنرا ضامن حفظ فضای همزیستی و سلامت اجتماعی دانست.*

بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

دوشنبه ۱۰ مهر ۱۳۹۶ / ۲ اکتبر ۲۰۱۷ / سال چهارم شماره ۲۰۵

آیندهٔ کار، چنان که می خواهیم

(بخش سوم)

سال ۱۹۵۵: نگاه جان براک، نقاش استرالیائی، به "آیندهٔ کار"

سازمان بین المللی کار

در بخش پیشین این مقاله مباحث ۴-گانهٔ کنفرانسی که در بارهٔ آیندهٔ کار در آوریل سال جاری توسط سازمان بین المللی کار، و در تدارک گردهمائی به مناسبت صدمین سال حیات این سازمان، برگزار شد (۱- کار و جامعه، ۲- کار مناسب برای همه، ۳- سازمان کار و تولید و ۴- حاکمیت کار)، و چکیده ای از سخنان گای رایدر در مراسم افتتاحیهٔ این کنفرانس معرفی شدند.

مباحث کلیدی

خطابیهٔ کلیدی به گردهمائی را رابرت اسکیدلسکی، از دانشگاه وارویک در بریتانیا، در روز افتتاح آن در ۶ آوریل سال جاری، ایراد کرد. سخنرانی او بر دو مسئلهٔ مرکزی تمرکز داشت: ۱) معنای کار و فراغت در اثر پیشرفتهای تکنولوژیکی چه تغییراتی خواهد کرد؟ ۲) مدت زمان کار در اثر این تغییرات تکنولوژیکی، و دیگر محرکهای دخیل، دستخوش چه تغییراتی خواهد شد؟ اسکیدلسکی با تشریح پیاهدهای تکنولوژیهای جدید – اتوماسیون و روبوتیزاسیون – که در حال دگرگونی عمیق جهان کار اند، آغاز کرد. پرسش مهمی که در این ارتباط به میان می آید این است: " با توجه به این واقعیت که در قرون گذشته پیشرفت تکنولوژی نه تنها به «بیکاری تکنولوژیک» منجر نشده، بلکه به مشاغل بیشتر و تولیدات جدید و نوآورانه تری انجامیده است، در این صورت این ترس که پیشرفت تکنولوژی در حال حاضر و در آینده به معنای مشاغل کمتری است، از کجا سرچشمه گرفته است؟" پاسخ به این سؤال، با توجه به این که برخی از تحقیقات انجام شده آیندهٔ کدری را مبتنی بر اشکال کنونی اتوماسیون برای کار پیش بینی کرده اند، احتمالاً در این فرضیه نهفته است که "این بار وضع فرق می کند."

با توجه به این واقعیت که در قرون گذشته پیشرفت تکنولوژی نه تنها به «بیکاری تکنولوژیک» منجر نشده، بلکه به مشاغل بیشتر و تولیدات جدید و نوآورانه تری انجامیده است، در این صورت این ترس که پیشرفت تکنولوژی در حال حاضر و در آینده به معنای مشاغل کمتری است، از کجا سرچشمه گرفته است؟"

بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

دوشنبه ۱۰ مهر ۱۳۹۶ / ۲ اکتبر ۲۰۱۷ / سال چهارم شماره ۲۰۵

در حقیقت این اجماع در حال شکل گیری است که در آینده مشاغل کمتری وجود خواهند داشت و نیز این که مشاغلی که باقی خواهند ماند یا از زمره مشاغل عالی خواهند بود یا از زمره مشاغل ساده، و تعداد ناچیزی مشاغل بینابینی. این پیش بینیهای غمبار مبتنی بر این فرضیه اند که انقلاب دیجیتالی، در قیاس با انقلابات تکنولوژیک پیشین، در دنیای کار به مراتب نافذتر عمل می کند و موجب رقابت بین انسان و ماشین – نه فقط در زمینهٔ کار جسمانی، بلکه همچنین در فعالیتهای ذهنی – است؛ یعنی در زمینه ای که پیشتر از این، با توجه به قابلیتهای ذهنی بشر، زمینهٔ اختصاصی کار انسانی تلقی می شد.

پس از طرح این زوایا، اسکیدلسکی استدلال کرد که تحولات آینده در دنیای کار همچنان بر مصالحه و تعادل سنتی بین کار و فراغت ، یعنی بر حسب ارزشی استوار خواهد شد که انسانها برای کار نسبت به فراغت قائل خواهند شد. و البته همچنین بر حسب میزان آزادی انتخابی که انسانها در سایهٔ تعادل گفته شده، به آن نائل خواهند آمد. پیشرفت تکنولوژیک، از نقطه نظر اقتصادی به این معناست که با کار کمتری بتوان خروجی واحدی را به بار آورد. در این معنا اگر دستمزدها افزایش یابند، آن گاه کار نسبت به فراغت از سودمندی بیشتری برخوردار خواهد بود؛ نسبتی که قاعدتاً موجب خواهد شد ترجیح انسانهای بیشتری به کار باشد تا به فراغت (اثری که به آن "اثر جایگزینی" گفته می شود). حال اگر دستمزدها افزایش یابند، آنگاه هم مصرف و هم فراغت افزایش خواهند یافت، به عبارت دیگر تأمین همان سطح مصرف با کوشش کمتری ممکن خواهد شد (چیزی که اثر درآمدی نامیده می شود). اگرچه فرضیهٔ کینزی (دایر بر این که اثر درآمدی بر اثر جایگزینی غلبه دارد، و مثلاً به این منجر شده است که ۶۰ ساعت کار در هفته به ۴۰ ساعت کار در هفته تقلیل یابد)، تا سالهای ۸۰ قرن گذشته اعتبار داشت، اما از آن پس تعداد ساعات کار در هفته کمابیش ثابت مانده است. پس سؤال این است که "چرا نسبت بین کار و فراغت از سالهای ۸۰ به این سو دیگر تغییر بامعنائی نکرده است؟"

اسکیدلسکی استدلال کرد که این تحولات می توانند چندین دلیل بالقوه داشته باشند. نخست این که کار، برای بیشترین افراد، دارای ارزشی ورای ارزش مادی، و همچون منبعی از رضایتمندی درونی است. کار فعالیتی که صرفاً نیازهای مادی انسان را برآورد، نیست، بلکه فعالیتی اساسی برای ارتقاء فرد و مشارکت در جامعه است. ثانیاً بی ثباتی ذاتی تمایلات انسان برای دستاوردهای مادی، که پروردهٔ ساختار کنونی اقتصادی مبتنی بر "تبلیغات بیرحمانه" است، نیز به ساعات کار بیشتر منجر می گردد. ثالثاً به جای این که کارگران امکان انتخاب در این عرصه را داشته باشند، این کارفرمایان اند که ساعات و محل و دستمزد و شرایط کار را تعیین می کنند. در این بافتار، تعداد ساعات کار متر و معیاری از خواست کارگران نیست، بلکه تظاهری از دینامیسم ساختار قدرتی است که در ذات بازار کار نهفته است. ۴۰ سال پیش دولت و اتحادیه های کارگری بر این عوامل کنترل داشتند اما این وضع اکنون در اثر سلب بسیاری از اختیارات اتحادیه ها، مقررات زدائی، مالیه ای کردن و جهانی شدن، به هم ریخته است. سرانجام این که انجماد یا کاهش دستمزدهای واقعی به آنجا انجامیده است که صاحبان درآمدهای میانی به ساعات کار خود افزوده اند تا سطح مصرف خود را حفظ کنند یا بهبود بخشند.

اسکیدلسکی صحبت خود را با این تأکید به پایان برد که "ضرورت دارد نابرابری فزایندهٔ درآمدها از زمان بحران مالی (۲۰۰۸/۲۰۰۷) و نقش این نابرابری را در تعیین ساعات کار در نظر داشته باشیم".

بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

دوشنبه ۱۰ مهر ۱۳۹۶ / ۲ اکتبر ۲۰۱۷ / سال چهارم شماره ۲۰۵

تفکر کارگری از نگاه فعالان سیاسی خارج از کشور

اشاره:

نزدیک به ٤٠ سال از انقلاب ٥٧ می گذرد، بعد از سرکوب های خشن دهه ی ٦٠، توسط رژیم جمهوری اسلامی ایران، بخش قابل توجه ای از فعالان سیاسی چپ، مجبور به خروج از کشور گشتند، عده ای نیز در پی ضربه های متوالی به احزاب مختلف، دستگیر و به زندان و جوخه های اعدام سپرده شدند.

در ابعاد جهانی شرایط به مراتب نا مساعد تر بود، جبهه و اندیشه سوسیالیست واقعا موجود از هم گسست و شکستی به مراتب سنگین تر بر آن نیرو های چپ که تفکر آنان بر پایه افکار مارکسیست، لنینیستی استوار بود، وارد شد، در این میان نیاز به آلترناتیوی برای اصلاح و تحلیل شکست در ابعاد داخل و جبهه جهانی بیش از هز زمان دیگری در بین فعالان سیاسی چپ و مدافعالان جنبش کارگری احساس می شد.

با توجه به آن چه بیان گشت، بخشی از نیرو ها هم چنان به همان اندیشه های دوران سوسیالیست واقعا موجود پای بند مانندند، عده ای سوسیالیست را با دمکراسی تکمیل و به عنوان چپ دمکرات به مبارزه خود ادامه دادند و عده ای با درس گرفتن از تجارب سوسیال دمکراسی در کشور های اروپایی، تفکر خود را اصلاح و از این نگاه به مبارزه خود ادامه می دهند.

در این میان عده ای نیز تا سر حد قبول لیبرالیسم پیش رفتند و سعی می کنند، معضلات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ایران را به گونه ای دیگر تحلیل کنند.

بعد از گذشت چهار دهه، نشستن پای صحبت این عزیزان، با کوله باری از تجربه کشور های مختلف، خالی از لطف نیست، در ادامه بخش هایی از تفکر موجود در بین فعالان سیاسی چپ خارج از کشور را در رابطه با تحلیل جنبش کارگری به شرح زیر تقدیم شما می داریم و از شما خوانندگان محترم دعوت می کنیم، با ارسال مطالب خود به ایمیل سایت "کارآن لاین" به این گفت و گو بپیوندید.

بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

دوشنبه ۱۰ مهر ۱۳۹۶ / ۲ اکتبر ۲۰۱۷ / سال چهارم شماره ۲۰۵

همبستگی استثمار گر و استثمار شونده

رفیق (پ) می نویسد: همبستگی استثمار گر و استثمار شونده اختراع من نیست. تمام تمدن معاصر اروپا که پیش آهنگ تمدن بشری است، بر پایه این همبستگی بنا شده است. ما برای انکار این همبستگی، ناچار خواهیم شد که یا منکر این تمدن شویم و یا مدعی شویم که چنین همبستگی در اروپا وجود نداشته و ندارد .در آلمان که محل زندگی من است، در بنگاه های اقتصادی متوسط و بزرگ، نهادی به نام شورای بنگاه، مرکب از نمایندگان کارکنان که در زمینه هائی نظیر اخراج، دستمزد و اضافه کاری و نظایر این ها ازحق مشارکت مساوی با مدیریت در تصمیم گیری برخوردار است، ضامن تامین همبستگی است و قوانینی که بوسیله نمایندگان مردم تدوین می شوند نیز تضمین و تامین همبستگی را برعهده دارند. توجه داشته باشید که در آلمان، بنگاه هائی که بالای ده نفر پرسنل داشته باشند، تقریبا نمی توانند کارگری را که بیش از 50درصد معلولیت دارد، از کار اخراج کنند و واحد های بزرگ هم موظفند در صدی از کارکنان را از میان معلولین استخدام کنند. اینها بعلاوه حقوقی نظیر حق اعتصاب، مشتی نمونه یک خروار قانون ضامن و حافظ همبستگی کار و سرمایه در بزرگترین و موفق ترین اقتصاد اروپا و قهرمان صادرات جهان است. کشوری که در سال گذشته بیش از ۳۰۰ میلیارد ایرو مازاد صادرات نسبت به واردات داشته است و نرخ بیکاری آن بسیار پایین و نرخ تورم آن نزدیک به صفر است .

می توان از همبستگی کارگران با هم تا همبستگی کار و سرمایه، تا همبستگی ملی و تا همبستگی جهانی به عنوان یکی از ارزش های پایه ای دفاع کنیم.

پرچم تسلیم طلبانه اتان را به نام من کارگر برافراشته نکنید!

برابری! در سایه همبستگی کار و سرمایه!!؟

در برابر تفکر بالا رفیق(س) چنین می اندیشد:

در رابطه با آنچه نوشته اید، متاسفانه نه تنها مشکل تئوری «همبستگی» حل نشد، بلکه موجب پدید آمدن سئوالات دیگری گردید.

نوشته اید:

همبستگی استثمار گر و استثمار شونده اختراع من نیست. باز هم از همین اول، سنگ بنا را کج گذاشته اید، مگر هر آنچه را که اختراع دیگران باشد باید بی اما و اگر پذیرفت، این دیگر چه استدالالی است. این که در آلمان وضعیت صادرات و یا قانون کار به چه قرار است، بهتر است وارد اینچنین قضایائی نشویم، گرفتار پلمیکی می شویم که ته آن نا پیداست. برای این که وقت رفقا گرفته نشود، تنها بسیار کوتاه به چند نکته اشاره می کنم و پس از آن نمونه زنده ای را طرح خواهم کرد.

در مورد آلمان، آن طور که نوشته اید، به مرحمت سر «همبستگی» مورد نظر شما (همبستگی کار و سرمایه) و به قول شما، مملکت گُل و بلبل گشته است. در مورد ایران که وضعیتش بر همگان روشن است، سخن بسیار است و اساساً آنچه شما نوشته و به آن اعتقاد دارید به دلایل مختلف ربطی به آن پیدا نمی کند و پیشکش. و اما در مورد آلمان که محل سکونت شماست، می توانید به من بگوئید که، چرا حزب راست نازیسم (آ،اف،د) در انتخابات اخیر به سومین حزب قدرتمند آن کشور تبدیل گشته است؟ و چرا احزاب سنتی از قبیل حزب حاکم(س،د،او) و موئتلفینش با چنان شکستی در انتخابات اخیر مواجه شده اند که به گفته خودشان در طی هفتاد سال گذشته بی سابقه بوده است. احتمالاً پاسخ خواهید داد که بخاطر سیاست پناهنده پذیری خانم مرکل است، (اگرچه سیاست پناهنده پذیری خانم مرکل هم، جای تامل دارد) که این چنین فاجعه بار سقوط کرده اند. اگر نخواهیم با همین موضوع شکست فاحش سوسیال دمکرات ها و راست میانه، برخوردی سطحی داشته باشیم و تنها نگاهی به گزارش«آکسفام» که در آستانه نشست سرمایه داران در «داووس» سوئیس انتشار یافت، بیفکنیم، اوج فاجعه را درخواهیم یافت.

بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

دوشنبه ۱۰ مهر ۱۳۹۶ / ۲ اکتبر ۲۰۱۷ / سال چهارم شماره ۲۰۵

جهت یا دوری شما، لازم است بگویم که، بر اساس گزارش«اکسفام»، یک درصد از مردم! ثروتشان معادل نیمی از ساکنین جهان است. یعنی به قیمت **برابری** مورد نظر شما! که در سایه همبستگی کار و سرمایه! حاصل گشته است. راستی از وضعیت میلیون ها بازنشسته آلمان و فرانسه و غیره چیزی ننوشته اید که چرا ناچارند برای تهیه ضروری ترین مایحتاج زندگیشان در مقابل مراکز توزیع مواد غذائی رایگان به صف بایستند. و یا اینکه چرا چند صد هزار نفر نیروی کار آلمانی، فرانسوی و ...، برای یافتن کار به کشور سوئیس سرازیر گشته اند، نیروی کاری که بخش قابل توجهی از آنان را متخصصین تشکیل می دهند.

راستی اگر این همبستگی کار و سرمایه، کارگشاست، چقدر کارگران فرانسوی، آلمانی، یونانی، اسپانیائی و غیره باید «کودن» باشند که به جای اعلام همبستگی با استثمار کنندگانشان، هر روزه در خیابان ها دست به اعتراض می زنند و حکومت های سوسیال دمکراتشان را از قدرت به زیر می کشند. (توجه به اعتراضات خیابانی هر روزه و انتخابات اخیر فرانسه و آلمان و ...) آیا شما صدای سیلی محکمی را که به گوش احزاب سوسیالیست فرانسه و یا سوسیال دمکرات های آلمان در طی ماه های گذشته نواخته شد، نشنیده اید!. آیا در طی سال های اخیر، هیچ گاه از خودتان پرسیده اید که چرا گام به گام خدمات اجتماعی که بر اثر مبارزات طاقت فرسای نیروی کار و نیروهای مترقی حاصل شده بود، توسط همین سرمایه حذف می گردد.

به این نمونه ها ی ذکر شده بسنده می کنم. همان طور که گفتم به وضعیت نیروی کار در ایران نمی پردازم، که به قول معروف اظهر من الشمس است. در انتها خیلی خلاصه اشاره می کنم که چرا آنچه که شما نوشته اید هیچ ربطی با حال و هوای ایران ما ندارد. در ادامه برای اینکه شما را با نمونه ای واقعی مواجه کنم، تیتر وار شرایط کاری خوم را توضیح می دهم. شما به من«کارگر» بگوئید که چه گونه می باسیتی با کار فرمایم اعلام همبستگی کنم:

در طی ۲۸ سال اقامتم در سوئیس:

اشتغال به هشت سال کار موقت در شرایط اسفناک یدی که ناچار به انجامش بوده ام، با حقوق ۲۵۰۰ فرانکی (معادل ۲۳۰۰ یورو) برای انجام کار صد در صد(۴۲ ساعت کار در هفته)

دوازده سال کار دائم با همان شرایط کاری. بطوری که کمتر بیاد دارم که، از فرط درد استخوان های کمر و پا هایم شبی را آسوده خوابیده باشم. با حقوقی حدود ۴۰۰۰ هزار فرانک در ماه که، از آن بابت بیمه ها و مالیات، حداقل به میزان ۱۰۰۰ فرانک کسر شده است.

در یکی از شعبات کارخانه ای با شش هزار کارگر و کارمند که هم اینک در آن شاغلم، حدود ۶۵۰ نفر شاغلند، اعضای سندیکای فعال در آن چهار نفر، اعضای غیر فعال سندیکائی آن سه نفر، (باز نشستگان عضو سندیکا) میانگین تعداد شرکت کنندگان در جلسات سندیکای کارگران پنج نفر که از این تعداد یک نفر نماینده سندیکا، سه عضو باز نشسته و یک عضو فعال کارخانه هستند. در شرایطی که فشار جسمی بر کارگران بیداد می کند و عده ای از کارگران از جمله خود من می بایست در شرایط قرار داد موقت سال ها به کار فرساینده تن در دهند و در شرایطی که از چهارده نفر از کارگران یک بخش، نُه نفرشان، ناچار به عمل جراحی زانو و غیره شده اند. در این دمکراسی مورد نظر شما، چرا دربین ۶۵۰ کارگر، تنها یک فعال سندیکائی در جلسات سندیکا شرکت می کند و کسی تمایل به عضویت در سندیکا ندارد. اگر از عدم شناخت و انگیزه ضعیف کارگران بگذریم که آنهم دلایل خود را دارد، آیا فعال سندیکائی نشدن کارگران، به معنای تائید نظام سرمایه است، یا ترسشان از اخراج.

در دمکراسی مورد نظر شما، چرا در کارخانه ها، نه فکر کنید در کشوری در خاورمیانه و آفریقا و دیگر کشور های جهان سومی، بلکه در قلب اروپا، همان مکانی که شما برای من کارگر از آن فاکت می آورید، از انجام بحث سیاسی جلوگیری

بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

دوشنبه ۱۰ مهر ۱۳۹۶ / ۲ اکتبر ۲۰۱۷ / سال چهارم شماره ۲۰۵

کرده و آن را به بهانه واهی «اتخاذ سیاست خنثی» ممنوع ساخته اند. چرا در بین کارگران، باید شایعه شود که کارفرما، دل خوشی از سندیکا ندارد و حتی همان دو، سه عضو فعال سندیکائی هم در جلسات آن شرکت نمی کنند که مبادا خبر شرکت آنان در جلسات درز پیدا کرده و به گوش کارفرما برسد.

آیا خبر دارید در شرایطی که آقای «واسه لا» مدیر سابق شرکت دارو سازی«نو وارتیس» در طی دهسال ۳۹۲ میلیون فرانک سوئیس حقوق، در یک سال ۱۰۶ میلیون فرانک بقول خودشان«بُنوس» و در هنگام تغییر شغلش مبلغ ۹۶ میلیون فرانک وجه، بابت خسارت دریافت می کند. (برای کسب اطلاع بیشتر در مورد ثروتمندان سوئیسی و این که چند نفر از آنها کارفرما هستند، پیشنهاد می کنم از امکان اینترنت استفاده کنید).

راستی فراموش کره ام که اگر اجازه داشته باشم از خودتان بپرسم که، در همین اروپا، آیا شما هم، مثل من، به کارگری ساده پرداخته اید که، به خاطر انجام کار کمر شکن روزانه ده، دوازده ساعته اش، شب نخوابی کشیده باشید. می توانید به من بگوئید که، همبستگی «من کارگر» را با آقای«واسه لا» ئی که میلیونها حقوق دریافتی دارد (البته بدون محاسبه سود میلیونی بورس بازی هایش)، چگونه می توان بهم گره زد. انتظار من از شما این است که حداقل به نام من کارگر، پرچم تسلیم طلبی اتان بالا نبرید.

و اما چرا تئوری شما نه تنها با شرایط ایران، حتی با شرایط اروپا هم ربطی پیدا نمی کند.

دوست گرامی، اگر چه، عصر رُمانتیسم را بیش از یک قرن است که پشت سر گذارده ایم. بنیان سیاستی که آن را تبلیغ می کنید، از یک طرف هم به رمانتیسم و ایده ئالیسم خوشباورانه اتکاء دارد و از جانب دیگر با فلسفه عدالت خواهانه و عناصر زمان و مکان پیوندی ندارد. این فرضیه را بدلیل منشاء اثر نبودنش در همه جای جهان، حتی در کره مریخ هم که در آن، از زیست خبری نیست می توان طرح کرد. چون که، تاثیر گذار نیست. پرداختن به هر یک از موءتلفه هائی که ذکر کرده ام نیازمند اتلاف وقت و انرژی همگی ما ست. تنها اشاره می کنم که فرضیه شما، نه هدفش روشن است، نه مشخص است که به چه چیزی می خواهد پاسخ دهد و چون هدفش روشن نیست، قادر به انتخاب راه درست خود نشده است. پس بنا بر این به همین دلیل هم، به طور طبیعی، هیچ گونه ربطی با شرایط واقعی ایران که اصلآ قابل مقایسه با اروپا نیست و ما با یک حکومت قرون وسطائی متکی بر سرمایه روبروئیم، ندارد.

زنجیر هائی را که "همبستگی سوسیال-دموکراتیک"

بر دست و پای سرمایه بست

پاسخ رفیق (پ) به متن بالا:

با سلام و تشکر از پاسخ شما. امیدوارم بتوانیم بحث سازنده ای داشته باشیم. سعی می کنم مورد به مورد به آنچه مطرح کرده اید بپردازم.

۱-اگر نوشتم که " **همبستگی استثمار گر و استثمار شونده اختراع من نیست"** منظورم این نبود که این متاع خارجی هست و جنسش مرغوب است ! خواستم بگویم که این قصه سر دراز داشته و دارد. همین.

۲-در مورد علل رشد جریانات راست افراطی در اروپا و آمریکا، همان طور که شما هم شاهد هستید، متفکران اروپائی در همه سطوح مشغول بحث و بررسی هستند. من هم مثل شما این بحث ها را در حد توانم با اشتیاق دنبال می کنم و تا این جا این نظریه را درست تر می دانم که این گرایش در محتوی،

بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

دوشنبه ۱۰ مهر ۱۳۹۶ / ۲ اکتبر ۲۰۱۷ / سال چهارم شماره ۲۰۵

نوعی بازگشت به ناسیونالیسم و واکنشی از سر ترس و نگرانی نسبت به جهانی شدن است. طبقه کارگر اروپا و آمریکا در بخش بزرگش، نگران است که کارگران چین، هند، برزیل، مکزیک و...با جلب سرمایه ها به کشورشان، شغل و امنیت شغلی را از او بگیرند و چون هیچ راه حل جهانی و انسانی در مقابل جهانی شدن کنونی، به عنوان بدیل، نمی بیند، دنده عقب می رود و به قول مارکس با ایستادگی در مقابل تکامل نیرو های مولد، به جریانات مرتجع پناه می برد.

۳-به گزارش هراس برانگیز اکسفام اشاره کردید که از سوی منابع دیگر هم تائئید شده است. چرا چنین شد؟ در جریان " جهانی شدن" سرمایه موفق شد، بسیاری از زنجیر هائی را که "همبستگی سوسیال-دموکراتیک" بر دست و پایش بسته بود، پاره کند و به کشورهائی برود که در آن ها نه تنها از این گونه زنجیرها خبری نبود، بلکه با دسته گل هم مورد استقبال قرار می گرفت. کشور هائی که در آنها چهارده ساعت کار روزانه با مزد ساعتی چند سنت، بهره کشی بی محابا از کودکان و زنان، عدم پرداخت مالیات و نبود هزینه های جنبی کار، نظیر بیمه درمانی و بازنشستگی، بهشتی را برای سرمایه فراهم می آورد. در این "بهشت دور از همبستگی" بود که آن انحصارات، بزرگ و بزرگتر شدند و در نهایت ۵۰ در صد ثروت های جهان تحت کنترل یک در صدی ها در آمد. به طور خلاصه، این همبستگی کار و سرمایه نیست که مولود این نابرابری غیر قابل تصور شده است . این هیولا محصول ترک همبستگی است!

لابد شما هم مثل من و میلیون ها آدم دیگر می پرسید که برای مهار این نابرابری عظیم چه باید کرد؟ استنباط من از مباحثات موجود این است که این مساله جهانی است و بنابراین هیچ راه حل فیصله بخش ملی ندارد و راه حال هم لزوما باید جهانی باشد و باید کاری کنیم که دست و پای سرمایه در چین، هند و بقیه کشور های در حال توسعه، با زنجیر همبستگی بسته شود. نهاد های با اقتدار بین المللی، دیکتاتور ها را سر جایشان بنشانند و با طلسم " حقوق بشر" غول سرمایه را بار دیگر در شیشه کنند.

۳-در مورد بازنشستگان، با پرهیز از غلو و بزرگ نمائی دشواری های موجود، مشکلاتی واقعی وجود دارند. در حالی که زاد و ولد کاهش می یابد، سن مردم بالا می رود و بخش شاغل جامعه باید بار حد ود ۱۵ سال زندگی سنیور ها را بر دوش بکشد . بودجه عمومی گاه تحمل این بار را ندارد و چون نمی توانند، از سهم کودکان و نسل بعدی، محیط زیست و نگه داری از معلولان و موارد مشابه بزنند، بخشی از فشار را به بازنشستگان منتقل می کنند. توجه دارید که در آلمان تحصیلات عالی تقریبا مجانی است و خانه های سالمندان هم هزینه زیادی را به بودجه عمومی بار می کنند. این که از حقوق هزار ایروئی بازنشستگان هم مالیات کسر می کنند، واقعیت تاسف باری است و در موارد نه چندان کمی، بازنشستگان دور و بر خط فقر زندگی می کنند اما در مجموع، این تصویر که برای دریافت غذای گرم صف می کشند، به شدت غلو آمیز و غیر واقعی است و سینیور های آلمانی در بخش بزرگ شان از خانه شخصی برخوردارند. هزینه درمان ندارند و حقوق بازنشستگی، کفاف هزینه های روزمره شان را می دهد.

٤-در مورد عدم استقبال همکاران شما از سندیکا، من حرفی برای گفتن ندارم. اما برایم باور کردنی نیست که دلیلش ترس از کارفرما بوده باشد. سوئس به کشور دموکراسی مستقیم شهره است و من امیدوارم که شما این مساله را عمیق تر تحلیل و تعلیل کنید و من را هم از نتایجش بی نصیب نگذارید.

٥- ارتباط این بحث ها با ایران آخرین نکته مهم و شاید مهم ترین نکته بحث شماست. به یک معنی حق با شماست و این گونه بحث ها برای کشور ما کمی لوکس به نظر می آید. اما وقتی دوستانی پرچم مقابله با " نیو لیبرالیسم" را در ایران برمی افرازند، امثال من هم ناگزیر می شویم تاکید کنیم که اگر همبستگی کار و سرمایه ضرورت توسعه در جهان پیشرفته بوده است، ما در ایران به" همبستگی به توان چند" نیاز داریم! در ایران سرمایه دارد زیر فشار بخش دولتی و فاسد اقتصاد، اقتصاد سیاه بیت و اقتصاد مسلح سرداران، جان به جان آفرین تسلیم می کند و امروزه اگر امیدی به رهائی باشد، این تنها از خیر سر نئولیبرالیسم و جذب سرمایه های خارجی میسر خواهد شد. سرمایه گذاری کردن در ایران فقط دل شیر

بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

دوشنبه ۱۰ مهر ۱۳۹۶ / ۲ اکتبر ۲۰۱۷ / سال چهارم شماره ۲۰۵

آری! دردناک است زدن این گونه حرف ها به کارگران ایرانی که شش ماه- شش ماه حقوق نمی گیرند

نمی خواهد، کله ای سودا زده و مجنون هم لازم دارد!

یک کارگر ایرانی اگر وطنش را دوست دارد و می خواهد به حق یک زندگی شرفتمندانه در کشورش دست یابد، باید دست سرمایه داری را که پیه همه چیز را به تن می مالد و در آن خراب شده می ماند و شغل ایجاد می کند، بفشارد و برای جلوگیری از زمین خوردنش از خودش مایه بگذارد.

آری! دردناک است زدن این گونه حرف ها به کارگران ایرانی که شش ماه- شش ماه حقوق نمی گیرند، اما تحریک آنها علیه کارفرمای بخش خصوصی که باید ۳۵ درصد بهره به بانک بدهد و از دست سپاه، از فردای واحد تولیدی خود خبر ندارد، دادن آدرس غلط به کارگر است و چیزی نیست جز پوپولیسم ناب!

مشکل ایران حل نخواهد شد اگر کارگر و سرمایه دار دست در دست هم علیه نظام فاسد، رانتی و سوداگر مافیای بیت-سپاه-دولت مبارزه

نکنند. این نظام فاسد، سرمایه های کشور را به بغما می برد و در سوداگری و معامله با مواد مخدر، الکل، سیگار، اسلحه و زن تباه می کند و مشکل اصلی کشور نه مقابله با سرمایه زیر عنوان غلط انداز " نئولیبرالیسم" که رها کردن سرمایه از چنگ دین، تفنگ و انحصار است. تردیدی نیست که ما باید با شیب کردن همه گرفتاری واحد های تولیدی به سمت کارگرانی که زیر خط فقر زندگی می کنند، مخالفت کنیم. اما نمی توانیم از کارفرما هم توقع دوشیدن گاو نر را داشته باشیم و این واقعیت را منکر شویم که برای عبور از این وضعیت به شدت بحرانی، همه باید هزینه کنیم و البته هر کس به اندازه وسعش و سهمش!

ادامه دارد

بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

دوشنبه ۱۰ مهر ۱۳۹۶ / ۲ اکتبر ۲۰۱۷ / سال چهارم شماره ۲۰۵

تیتر اخبار

این صفحه، اختصاص دارد به تیتر خبر های کارگری در هفته ای که گذشت.
سرفصل جدیدی از بولتن کارگری، که در گسترش اطلاع رسانی اخبار و حمایت از جنبش کارگری ایران، به شرح زیر ارایه می شود.

اعتصاب کارگران پالایشگاه ستاره خلیج بندرعباس

تجمع اعتراضی کارگران پروژه آبرسانی دشت سیستان مقابل اداره کار زابل وپرداخت بخشی از مطالبات کارگران دوشرکت*

جان باختن کارگرشهرداری یاسوج حین کاردرسانحه تصادف

یانیه شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران درباره جلوگیری از بازگشایی مدرسه کودکان افغانستانی در شاهدیه یزد

فواد زندی از فعالین کارگری شهر سنندج، بازداشت شد

پرداخت معوقه مزدی کارکنان ایکو

جمع‌آوری کودکان کار و خیابان: ۳۰ بار در ۳۵ سال

بیگاری کشیدن کارفرمای کارگاه آجرسازی گچساران از کارگران مهمان

مرگ دلخراش کارگر برقکارجوان حین کاردرتبریز

اعضای تعاونی مخابرات که بیش از ۱۶ سال است منتظر ساخته شدن آپارتمان خود بودند، در مقابل اداره تعاون تهران تجمع کردند

«احسان داوودی» از کارکنان شرکت اویکو که در حادثه آتش‌سوزی خط انتقال گاز پالایشگاه خلیج فارس دچار سوختگی شده بود، جان باخت

بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

دوشنبه ۱۰ مهر ۱۳۹۶ / ۲ اکتبر ۲۰۱۷ / سال چهارم شماره ۲۰۵

- تحت پوشش هیاهوی تبلیغاتی بخشی از مطالبات کارگران کارخانه های هپکو و آذرآب اراک پرداخت شد
- واله زمانی عضو سندیکای کارگران نقاش البرز به قید وثیقه آزاد شد
- ۶ مهر/اعتصاب و اعتراض پالایشگاه نفت ستاره خلیج فارس
- وزیر کار و جهره سرشناس دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی راهی اراک شد تا بافق دومی رقم بزند!
- تجمع اعتراضی پرستاران بیمارستان خمینی دهدشت نسبت به عدم پرداخت یکسال مطالباتشان
- مهلت ده روزه برای ضبط منزل وثیقه گذار جعفر عظیم زاده و بازداشت مظفر صالح نیا را قویا محکوم میکنیم
- اعتصاب غذای رضا شهابی بطور مشروط متوقف شد
- تجمع اعتراضی رانندگان کامیو ن ها نسبت به عدم پرداخت مطالباتشان از طرف شرکت کشت و صنعت جوین
- عدم پرداخت۶ماه حقوق کارگران کارخانه بلبرینگ سازی تبریز
- سوختگی ۹کارگر ساختمانی در حادثه انفجار کپسول گاز در اشنویه
- کارگران منطقه ۳ شهرداری رشت در اعتراض به عدم دریافت دستمزدها دست به تجمع زدند
- بستن مسیر زیل راه آهن توسط کارگران هپکو اراک
- تحصن مالباختگان کاسپین در یازدهمین شب هم چنان ادامه دارد در برابر فوه قضاییه
- تجمع اعتراضی کارگران نیروگاه سیکل ترکیبی بهبهان نسبت به عدم پرداخت مطالبات
- پایان دوردوم تجمعات اعتراضی کارگران بهره‌برداری معترض اخراجی پالایشگاه ستاره خلیج فارس درتهران اینبار بدنبال وعده وزارت کار
- اعتراض رسانه ای کارگران شرکتی پایانه مسافربری زاهدان نسبت به عدم پرداخت ۵ماه حقوق و اخراج دونفر از همکارانشان
- اخراج کارگر معترض صداوسیمای استان کرمان با سابقه کاری ۱۲ساله
  کارکنان سازمان صداوسیما مشمول چه قانونی هستند؟
- رضا شهابی پس از معاینه در بیمارستان دوباره به زندان بازگردانده شد
- اتحادیه کارگران خدمات عمومی کانادا - انتاریو:
  رضا شهابی، فعال کارگری زندانی را آزاد کنید
- مظفر صالح نیا عضو هیات مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران دستگیر شد

بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

دوشنبه ۱۰ مهر ۱۳۹۶ / ۲ اکتبر ۲۰۱۷ / سال چهارم شماره ۲۰۵

وخامت حال عمومی کارگرسوخته پالایشگاه ستاره خلیج فارس

پیدا شدن جسد کارگر معدن انگوران پس از ۵ روز

خودکشی یکی ازکارکنان زن دانشگاه علم و صنعت

پالایشگاه ستاره خلیج‌فارس بندرعباس؛ روز سوم اعتصاب برای عدم پرداخت پنج ماه حقوق/ کارگران بالای سازه‌ها تهدید به خودکشی کردند

تجمع گروهی از ناشنوایان در مقابل شورای شهر تهران در اعتراض به عدم به کارگیری ناشنوایان در مجموعه‌های دولتی و شهرداری

حدود ۲ میلیون سالمند فاقد بیمه بازنشستگی

تجمع مالباختگان صدرا نفت پارسیان/اصفهان مقابل دادگستری ۴ مهر

بیکاری زنان به ۴۲ درصد می رسد

تجمع سپرده گذاران موسسه افضل توس مقابل سرپرستی بانک آینده تهران و مشهد ۴ مهر ۹۶

وزارت بهداشت: سن ازدواج در ایران در یک دهه گذشته در تهران ۶ سال بالا رفته است

اعتراض کارگران بلبرینگ سازی تبریزبدلیل پرداخت نشدن شش ماه حقوق

زخمِ کاریِ «خصوصی‌سازی» بر تنِ کارگران دولت

مسمومیت ۵۰کارگریک مزرعه چایی در کرمانشاه با آب آلوده

بولتن کارگری

کار گروه کارگری سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

دوشنبه ۱۰ مهر ۱۳۹۶ / ۲ اکتبر ۲۰۱۷ / سال چهارم شماره ۲۰۵

بدون شرح